

اعتقادات امامیه در حوزه امامت از منظر حافظ رجب بُرسی

عمران پناه لو^۱

محسن احتشامی نیا^۲

چکیده

از مهمترین و دشوارترین آزمون‌های الهی پس از رحلت رسول خدا ﷺ که مردم با آن روبرو شدند، پذیرش ولایت و امامت امیر مومنان ﷺ بود. امامت از مسائل اعتقادی ابلاغ شده از سوی پیامبر اسلام ﷺ در طول مدّت رسالت ایشان بود که از یوم‌الدار یعنی همان روز آغازین تبلیغ اسلام که پیامبر اکرم ﷺ حضرت علی را به‌عنوان وصی خود معرفی نمود، تا روز غدیر که از مسلمانان بر آن بیعت ستاند، همواره مورد اهتمام آن حضرت بود و بعد از ایشان نیز به عنوان اصلی اعتقادی در میان امامیه مطرح و ممیّز شیعه از پیروان مکتب خلفا بوده است. اعتقاد به امامت اوصیای معصوم ﷺ، نخستین رکن ولایت باوری و محور اصلی تفکر شیعه به شمار می‌رود. حافظ رجب بُرسی از عالمان شیعه ی سده های میانی مکتب حله است. او خود را معتقد به اعتقادات مشهور امامیه و طریقیش را «نمط اوسط» و جدا از افراط و تفریط دانسته است. بُرسی با طرح روشمند مباحث اعتقادی و بویژه امامت کوشید نیازهای عصر خویش را پاسخ دهد. در مقاله پیش رو برآنیم تا دیدگاه او را در حوزه امامت با تکیه بر کتاب «مشارق انوار الیقین فی حقایق اسرار امیر المومنین ﷺ» بر اساس مباحثی که متکلمین شیعه در بحث از مسئله امامت در دو بخش امامت عامّه و خاصّه مطرح نموده اند، بررسی و تحلیل نماییم.

واژگان کلیدی

رجب بُرسی، مشارق انوار الیقین، اعتقادات امامیه، امامت، حله.

۱. دانشجوی دوره دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: omran.pannhlo@yahoo.com (نویسنده اول).

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: m.ehteshaminia@yahoo.com (نویسنده مسئول).

طرح مسأله

از مباحث مهم و ریشه‌ای که تاثیر کلیدی و اساسی در فرهنگ شیعه دارد، معرفت نسبت به جایگاه امام و مقام امامت است. اعتقادی که به فرموده امام باقر علیه السلام اساس دیگر باورهای دینی بوده و خدای سبحان در فراخوانی به آن، دوچندان سفارش کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۵۱). امامت در اندیشه شیعی، عهدی است الهی که خداوند بر آن احتجاج نموده و آن را تمام دین شمرده و اراده خداوند بر اتمام آن تعلق گرفته است (همان، ۲: ۱۵). از این رو امامت منصبی است الهی که با تعیین و نصب از سوی خداوند متعال همراه است (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۸۶). حافظ رجب بُرسی مانند سایر عالمان شیعه به مباحث عقیدتی توجه نشان داده و بر خود واجب دانسته تا آنجا که در توان دارد در شناساندن حقیقت دین و بویژه معارف علوی بکوشد و خود را در ولایت، فانی کند. او می‌گوید: غم‌خود را وقف حدیث و مدح شما کردم از من بپذیرید و مورد مرحمتم قرار دهید (همان، ۳۷۳). کتاب «مشارق انوار الیقین فی حقایق اسرار امیر المومنین علیه السلام» نمره تلاش اوست که تلفیقی از عقل و نقل را می‌توان در آن ملاحظه کرد. این کتاب مبسوط‌ترین و در عین حال مهم‌ترین اثر بُرسی است و بر پایه روایاتی استوار است که مناقب و سجایای اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت علی علیه السلام را بیان می‌کند. او هدف خود را از نوشتن این کتاب این گونه بیان می‌دارد: بر من واجب است که برای پاک کردن دین از سوء ظن ملحدین و شک انکارکنندگان و برای توجیه مومنین گوشه‌ای از اسرار مخفی آثار نهفته و گزیده‌های باطنی را مطرح کنم و پرده خفا را از آنها کنارزنم تا برای جویندگان، شهاب رهبری در آسمان تاریک نمایان شود (همان، ۲۸). زیرا معرفت امام رفعت و بلندی دین، کلید و دروازه همه چیز و خشنودی خداوند را در پی داشته و مومنان را از عذاب ایمن ساخته و ایشان را داخل در بهشت می‌نماید (همان، ۳۵۰).

۱- گذری بر زندگی نامه حافظ رجب بُرسی

رضی الدین حافظ، رجب بن محمد بن رجب بُرسی (حدود ۷۴۳-۸۱۳ ق) از زندگانی او بنا به دلایلی اطلاع چندانی در دست نیست (شیبی، ۱۳۸۷ش، ۲۳۹). آنچه از مجموع قرائن به دست می‌آید، این است که وی از علمای سده هشتم و نهم هجری بوده و در

عصر تیموریان می زیسته است. بُرسی خود را در یکی از ابیات کتاب مشارق این چنین معرفی نموده: «و فی المُولِدِ و المَحْتَدِ - بُرْسِیًّا و حَلِیًّا» (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۳۷۸- امینی، ۱۳۷۱ش، ۶۷: ۷) این کامل ترین معرفی است که از خود بُرسی در دست می باشد. بر این اساس وی بُرسی الأصل و ساکن حَلّه (شهری بین کوفه و بغداد) بوده است (حموی، ۱۳۹۷ق، ۲: ۲۹۴). شهر حَلّه در سده های میانی و خاصه از قرن ششم تا نهم هجری پایگاه مستحکم تشیع امامی و پایتخت فرهنگی شیعیان بوده است. این شهر در تکامل و بسط اندیشه های فقهی و اصولی و حدیثی و کلامی شیعه نقش بسیار برجسته ای داشته است. عالمان این خطه بیشترین سهم را در تدوین و تصنیف آثار علمی دوران میانی در امامیه داشته اند. بُرسی از جمله افراد پرورش یافته این مکتب می باشد. لقب «حافظ» و «محدث» از تبحر او در حدیث و ازبر داشتن روایات حکایت می کند. به گونه ای که آگاهی وسیع او، از آیات قرآن و روایات، محدث بودن وی را تایید می نماید. وی از کلمه «حافظ» به عنوان تخلص شعری استفاده کرده است (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۳۷۷-۳۷۹). بُرسی پس از کسب کمالات و طی مدارج در دانش هایی چون فقه، حدیث، ادبیات، معرفت خود را نسبت به اعتقادات شیعه تعمیق بخشید. آثار ارزشمند بجای مانده از او نشانگر شخصیت ممتاز و مقام والای او در حدیث، تفسیر، عرفان، ادب و علوم غریبه است. بُرسی کتاب مشارق انوار الیقین را در سال ۷۷۳ق تالیف نموده و با این حال وی پس از حدود چهل سال در سال ۸۱۳ق تحریر دوم آن را به پایان رسانده است. این کتاب از زمان تالیف مورد استفاده برخی از راویان حدیث و ناقلان آثار قرار گرفته است. لذا از همان زمان تالیف در برخی از محافل امامیه کتابی شناخته شده بوده و بزرگان شیعه مانند (کفعمی، ۱۴۰۵ق، ۳۱۶)، (فیض کاشانی، ۱۳۹۰ش، ۱۹۷)، (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۵: ۱۶۹-۲۶: ۱۵۵-۸: ۲۰۲)، (امینی، ۱۳۷۱ش، ۷: ۳۸-۶۷) و... از مطالب این کتاب بهره گرفته اند.

۲- تحکیم و تقویت مباحث امامت در مکتب حَلّه

وضعیت و شرایط تاریخی و جغرافیایی مدرسه حَلّه موجب شد تا عالمان این دیار درباره اندیشه امامت و امام شناسی کار آغاز شده به دست اصحاب و یاران ائمه علیهم السلام در قرن دوم و سوم و استمرار یافته توسط متکلمان قرن چهارم تا ششم در مدرسه قم و بغداد و ری

را به گونه ای دیگر تکمیل کرده و به تحکم و تقویت و اثبات امامت عامّه و خاصّه به روش نقلی و عقلی و فلسفی همت گمارند و آثار مستقلى در فضایل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام علی علیه‌السلام بنگارند. «عمده عیون الاخبار» و «خصائص الوحی المبین فی مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام، از تألیفات ابن بطریق (۶۰۰ ق)؛ «الیقین باختصاص مولانا علی علیه‌السلام بامر المؤمنین» «بناء المقالة الفاطمية فی نقد الرسالة العثمانية»، سید احمد بن طاووس (۶۷۷ ق)؛ «کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه‌السلام»، علامه حلی (۷۲۶ ق)؛ «کشف الغمه فی معرفة الائمه علیهم‌السلام»، علی بن عیسی اربلی (۶۹۲ ق)؛ و در مسائل مربوطه آثاری چون «الحجة علی الذاهب الی تکفیر ابی طالب»، سید فخّار موسوی حلی (۶۰۳ ق)؛ «فرحة العزّی فی تبیین قبر امیرالمؤمنین علیه‌السلام»، احمد بن طاووس و در مصائب اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه مصیبت کربلا آثاری مانند «الملهوف علی قتلی الطفوف»، علی بن طاووس؛ «مثیر الاحزان»، ابن نما الحلّی (۶۸۰ ق)؛ «عین العبرة فی غبن العترة»، احمد بن طاووس را می توان نام برد. و البته مهمتر از همه در اثبات امامت عامّه و خاصّه، بخش امامت «تجرید الاعتقاد» و رساله «الامامة» خواجه نصیر طوسی، «النجاة فی القيامة فی تحقیق امر الامامة»، ابن میثم بحرانی؛ «الالفین الفارق بین الصدق و المین فی امامة امیرالمؤمنین علیه‌السلام»، علامه حلی؛ «مشارق انوار الیقین فی اسرار امیر المومنین علیه‌السلام»، بُرسی قابل ذکر و شمارند.

۳- طرح کلی بحث امامت

از مسائل کلیدی و اثر گذار در شکل گیری هویت و ساختار شخصیتی انسان، راهنما شناسی و چگونگی منابع آگاهی انسان است. بحث امامت همانند نبوت در کتب کلامی به دو بخش عامّه و خاصّه تقسیم شده است. فلسفه آن، دو سوالی است که بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطرح شده بود، اینکه آیا پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ضرورت تبیین دین، راهنمایی و رهبری امت همچنان ادامه دارد و یا پس از ایشان تبیین و تفسیر دین، هدایت و رهبری پایان می یابد. دوم اینکه در صورت تداوم امامت، چه کسی عهده دار این مسولیت است. مباحث مربوط به پاسخ سوال اول را امامت عامّه و سوال دوم را امامت خاصّه مورد بررسی قرار می دهد. به عبارت دیگر مسائل کلی و عمومی امامت، مربوط به امامت عامّه است و مسائل مربوط به مصداق شناسی امام و این که امامان پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چه کسانی هستند، جزء امامت خاصّه است.

۴- شناخت مفهوم امامت

امامت، مصدر است از ریشه امّ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۸- الفیومی، ۱۴۱۴ق، ۲۳) به معنای اصل و اساس، قصد و آهنگ، چیزی که مورد اقتدا و پیروی قرار می گیرد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱: ۱۰۷). پیامبر اسلام ﷺ فرمود: امام را امام نامیدند؛ چرا که او پیشوای مردم است (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ۶۴). در اصطلاح، امامت به معنای ریاست عامّه و همگانی شخصی معین بر امور دینی و دنیایی مردم است (حلی، ۱۳۸۰ش، ۲۱۵). در میان مسائل مختلف مربوط به حوزه امامت، تقریباً دیدگاه های متکلمان شیعه در مکتب حله درباره تعریف امامت قرابت فراوانی با یکدیگر دارند. بُرسی معتقد است که در باب امامت، باید امام را به جنس و فصل شناخته و به لوازم مقام امامت احاطه و آگاهی یابیم. از این رو او به بیان جنس و فصل امامت می پردازد و می نویسد: جنس امامت همان ریاست عامه است که چهار فصل دارد: تقدّم، علم، قدرت و حکمت که اگر این چهار فصل منتفی شود از آن جنس نیز خبری نخواهد بود. اومی گوید: واجب است شخص ولیّ از دیگران برتر بوده و دارای علم، حکمت، تصرف در امور و عصمت از خطا و ظلم باشد (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۲۰۶). در همین جا است که مفهوم امامت به معنایی که در نظر بُرسی است مطرح می شود و همه صفات الهی در شخص ولیّ تجلی می کند و امام مظهر اسماء الهی می گردد، و بُرسی، امام را مظهر اسم جامع الهی می داند (همان، ۵۱).

۵- اولویت بحث امامت بر توحید و نبوت

از نگاه روایات بحث امامت نسبت به توحید و نبوت در اولویت قرار دارد؛ زیرا همه عقاید شیعه از طریق امام معصوم تبیین و تفسیر می شود. توحید و نبوت از منظر امام و قرآن و سنت به وسیله امام تبیین و تفسیر می شود بِنَا عَبْدَ اللَّهِ وَ بِنَا عُرْفَ اللَّهِ وَ بِنَا وَحْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۵) به عبارت دیگر اعتقادات شیعه از مسیر امامت عبور کرده و بوسیله امام تبیین و تفسیر می شود، لذا بر دیگر اصول اسلامی در بحث؛ حق تقدّم دارد، نه این که از نظر رتبه مقدّم بر توحید و نبوت باشد. تاکید ویژه روایات بر معرفت امام بدین سبب است که شناخت امام کلید دیگر معرفت ها حتی توحید است؛ زیرا معرفت الهی بنیان دیگر معارف است؛ اما تبیین و بسط حقایق توحیدی در گرو شناخت امام و پیوند با اوست.

شیخ طوسی می‌گوید: امامت از مهمترین اموری است که دارای اولویت بوده و مورد تاکید فرائض می‌باشد و بر مکلف واجب است که تکلیف بدون آن کامل نمی‌شود (طوسی، ۱۳۸۲، ش، ۵۹:۱). بُرسی معتقد است با امامت، توحید خداوند و دین پیامبر کامل می‌شود (بُرسی، ۱۴۲۷، ق، ۱۸۵). در ادامه می‌گوید: کسی که به علی علیه السلام ایمان نیاورد، به محمد صلی الله علیه و آله ایمان نیاورده است، و کسی که به محمد صلی الله علیه و آله ایمان نیاورد به خدا ایمان نیاورده است، زیرا اقرار به ولایت، اقرار به نبوت را لازم دارد و اقرار به نبوت مستلزم اقرار به وحدانیت خداوند است. همچنین انکار ولایت، انکار نبوت و توحید را در پی دارد از آن جهت که توحید و نبوت بر ولایت موقوف اند (همان، ۱۸۷).

۶- فلسفه امامت

امامت در مکتب تشیع، جزء اصول دین بوده و در ردیف توحید و نبوت قرار دارد. بُرسی معتقد است آن چه در اعتقاد به توحید و نبوت واجب است در اعتقاد به امامت، نیز واجب است. زیرا امامت جامع توحید و نبوت است. پس هر آن چه در اثبات توحید واجب است، در مورد امامت نیز این چنین است زیرا انکار جزء، از واجب، مانند انکار کل است (همان، ۲۰۵). فلسفه امامت در باور شیعی با فلسفه نبوت و رسالت در ابعاد زیادی مشترک است (همان، ۱۶۵) در واقع، امامت در امتداد نبوت و رسالت مطرح می‌شود، اما جایگاه و رسالت خاص امام از جایگاه و رسالت نبی و رسول قابل تفکیک بوده و امامت به شوونی فراتر و ماندگارتر از شوون نبوت و رسالت ناظر است و برخلاف نبوت و رسالت که در مرحله تاسیس دین و تلقی وحی و ابلاغ آن مطرح می‌شود، امامت به مرحله تمامیت و کمال دین نسبت به فرد و جامعه مطرح بوده و ضامن استمرار غایات و اهداف اصلی نبوت و رسالت است (همان، ۲۰ و ۱۸۵). امام در این دیدگاه جز در خصائصی مثل دریافت وحی تشریحی مستقل، در دیگر شوون هدایتی با پیامبران مشترک است. البته انبیایی هم بوده اند که اولاً، به دلیل شایستگی شخصی و ثانیاً، به دلیل وجود شرایط اجتماعی، از امامت هم برخوردار شده اند و در واقع در دو مرحله تاسیس و تکمیل رسالت دینی ایفای نقش نموده اند (همان، ۲۷۲). متکلمان اسلامی از منظرهای مختلف به تبیین فلسفه امامت پرداخته اند. درحوزه شیعی، با تکیه بر الهی و منصوص دانستن امامت به مثابه یک اصل

کلامی و اعتقادی، ادله مختلف نقلی و عقلی بر ضروری بودن این اصل تقریر شده است. این ادله گاه به فلسفه فعل خدا در جعل امامت ناظر هستند؛ مانند قاعده لطف به تقریرهای مختلف و وجوب آن بر خداوند، و گاه نیز به غایت و فوائد ضروری این اصل، چون تبیین و اقامه احکام و حدود الهی و برقراری نظم اجتماعی و رفع اختلافات معطوف اند (حلی، ۱۴۰۲ق، ۱۳-۲۶-ربّانی، ۱۳۸۶ش، فصل چهارم و پنجم).

۷- ضرورت وجود امام

ضرورت وجود امام در هر زمان و اتصال وصایت در طول تاریخ، یکی دیگر از اعتقادات شیعه محسوب می شود. خداوند از ابتدای خلقت، بر روی زمین حجتی قرار داده (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۱: ۲۰۷-بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۲۱۷) زیرا اگر حجت الهی در زمین نباشد، زمین اهلش را در خود فرو می برد (صفار، ۱۴۰۴ق، ۴۸۸-بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۸۵). شیعه، احادیث فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در دست دارد که بر ضرورت وجود امام و حجت الهی در هر زمان دلالت دارند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۳۷-بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۸۵-۲۱۷). در این روایات، امام محور مرکزی عالم هستی یاد و از وابستگی همیشگی جهان به او سخن گفته شده است (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۸۵) که زمین هیچ گاه در گذشته و آینده تا فرا رسیدن زمان قیامت، از وجود حجت الهی و امام معصوم خالی نبوده و نخواهد بود.

۸- معرفت و شناخت امام

معرفت نسبت به امام مهمترین وظیفه ماموم می باشد. معرفت امام با علم به امام، تفاوت دارد؛ چون در مقابل علم، جهل است ولی در مقابل معرفت، انکار قرار دارد. معادل فارسی علم، دانش و معادل معرفت، شناخت است. به همین جهت معرفت اخص از علم بوده و مرتبه آن بالاتر از علم است. معرفت و شناخت امام گاهی شناخت شناسنامه ای است، مثل دانستن نام، لقب، تاریخ تولد، آغاز و مدت امامت و...، این شناخت گرچه تا اندازه ای لازم است اما کافی نیست. آنچه حقیقت شناخت و معرفت امام را تأمین می کند، نه فقط شناخت امام به نام و عنوان و حَسَب؛ بلکه معرفت او به امامت و ویژگی های آن است، امام صادق علیه السلام در جواب شخصی که پرسید معرفت به حق امام چیست؟ فرمودند: بدانند که او امامی است که اطاعتش واجب است (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۴: ۵۵۴). بنابراین آن

کس که امام را به عنوان ولی و خلیفه خدا، کسی که اطاعتش از سوی خداوند واجب شمرده شده است، بشناسد و بداند که امام، زنده و حاضر است از برکات و آثار بی نظیر معرفت امام بهره‌مند می‌شود و به کمال زندگی عاقلانه رسیده و از نقصان مرگ جاهلی می‌رهد. گفتنی است شناخت ژرفای برتری و منزلت والای اهل بیت علیهم‌السلام و برشماری همه فضائل آنان هرگز در توان کسی نیست (برسی، ۱۷۳ و ۱۷۸)، زیرا ایشان مظاهر اسمای حسنا پروردگارند. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: اگر درخت ها قلم و دریاها مرگب و جنان حسابگر و آدمیان نگارنده شوند، هرگز نمی‌توانند فضائل و منقب امیر مومنان علیهم‌السلام را شماره کنند (اربلی، ۱۳۸۱، ق: ۱، ۱۱۲- برسی، ۱۴۲۷، ق، با عبارات مختلف، ۱۹۵، ۱۹۰، ۱۷۱، ۸۸). در بیان دیگری امام باقر علیه‌السلام فرمود: همان گونه که کسی نمی‌تواند خدای والا را وصف کند و به کنه عظمتش پی ببرد، کسی هم توان وصف رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بیان فضیلت و حقوق واجب ما را ندارد (برقی، ۱۳۷۱، ق: ۱، ۱۴۳).

۸-۱ ضرورت معرفت و شناخت اهل بیت علیهم‌السلام

ضرورت شناخت اهل بیت علیهم‌السلام به دلیل جایگاه خاص آنان در سازمان دین و هدایت انسان‌ها به سوی کمال به گونه‌ای است که هرگز نمی‌توان از آن چشم پوشید. اهل بیت علیهم‌السلام طبق کلام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همتای قرآن بوده و هرگز از آن جدا نمی‌شوند، بنابراین باید به همان اندازه که در شناخت و تدبیر در قرآن همت می‌شود به معرفت و درک مقام و جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان همتایان قرآن کریم اهتمام ورزیده شود. لذا یکی از مهمترین وظایف و ویژگی‌های فکری شیعه معرفت و شناخت نسبت به امام است. روایت «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» را می‌توان از روایات مشهور یا به قول برخی از بزرگان شیعه متواتر (مفید، ۱۴۱۳، ق: ۲۸) در این زمینه دانست^۱، که به ضرورت و وجوب معرفت و شناخت ائمه علیهم‌السلام اشاره دارد. این روایت با تعابیر مختلف و با مضمونی واحد در منابع روایی نقل گردیده است. به گفته برخی از امامت پژوهان این حدیث را می‌توان به عنوان دلیل نقلی بر وجوب امامت مورد استناد قرار داد. بر این اساس معرفت امام به عنوان

یک تکلیف دینی بر هر مسلمانی واجب خواهد بود (ربّانی، ۱۳۸۶ش، ۴۱ و ۵۸). اهمیت معرفت امام آن گاه روشن می شود که معلوم گردد اساس دیانت و هدایت انسان با معرفت امام گره خورده و این شناخت، کلید دیگر معرفت های ایمانی حتی شناخت توحیدی شمرده می شود (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۱۱۱). از این رو هنگامی که از امام حسین علیه السلام پرسیده شد، معرفت خدا چیست: آن حضرت معرفت توحیدی را به معرفت ولایی پیوند داده و فرمود: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ۱: ۹) به همین دلیل در روایات، معرفت امام تکلیفی فراگیر و عذر ناپذیر یاد شده که خدای سبحان هیچ کس را از آن معاف نکرده است: «لَا يُعْذَرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۱۵۵). بُرسی می گوید: معرفت امام از سوی خدا بر هر مکلفی مانند وجوب معرفت نبی واجب است و هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد همچون انسان کافر مرده است (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۳۳۹). در ادامه می گوید: معرفت ائمه علیهم السلام واجب و اطاعت از ایشان لازم است (همان، ۳۴۱).

۲-۸ مراتب و درجات معرفت امام

لزوم معرفت ایمانی به شان و جایگاه بی مانند امام که شرط سعادت انسان است؛ شامل معرفت شخص حقیقی و شخصیت حقوقی (مقام و اوصاف) اوست. بُرسی می گوید: چگونه انسان ها می توانند علی علیه السلام را بشناسند و نسبت به او معرفت حاصل نمایند، در حالی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که کلامش حقیقت است، راه رسیدن به آن (معرفت) را مسدود اعلام نمود و فرمود: «تو را هیچ کس، جز خدا و من نشناخت و مرا هیچ کس جز خدا و تو نشناخت و خدا را هیچ کس جز من و تو نشناخت» این حدیث صحیح است در حالی که مردم ادعای شناخت خدا و رسولش را می نمایند. صحّت این حدیث، دعوی ایشان را باطل می کند؛ چرا که فرض راست بودن مدعای ایشان موجب تکذیب کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود، در حالی که آن حدیث صادق است و مدعای ایشان در باب شناخت خدا و رسول او، کاذب است (همان، ۱۷۳). در ادامه می گوید: چه کسی به معرفت و مقام ما می رسد و یا منزلت ما را درک می کند، در این عرصه خردها حیرانند و فهم ها از درک آنچه می گویم سرگردان... کجایند کسانی که از این ها بهتر باشند، دست عقل از دامن آنها

کوتاه است، چه کسی می‌تواند معرفت به صاحبان معرفت پیدا کند و یا صفتی از آنان را توصیف کند... مقام آل محمد علیهم‌السلام فراتر از آن است که کسی بتواند ایشان را مدح و توصیف نماید و یا احدی از جهانیان با ایشان مقایسه شود (همان، ۱۷۸). از این رو تکلیف همگانی معرفت حداقلی به امام است که آن اعتقاد قلبی به همسان بودن ائمه با پیامبر (جز در امر نبوت) و تسلیم مطلق در برابر آنان است (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۲۶۳).

۳-۸ آثار معرفت و شناخت امام

در فرهنگ دینی «قرآن و روایات» بحث معرفت و شناخت امام و اعتقاد به او، از اهمیتی ویژه برخوردار است؛ به گونه‌ای که در ردیف اصول اعتقادی یعنی؛ توحید و نبوت قرار گرفته است. در واقع اعتقاد به وجود امام، در هر عصر و زمانی واجب است و به موجب دلایل عقلی و نقلی، ایمان بدون شناخت امام تحقق نمی‌پذیرد، زیرا که پیروی کردن بدون معرفت و شناخت امکان ندارد. بدون شک معرفت امام دارای آثار و نتایج پر بار و سودمندی می‌باشد و شامل حال کسانی می‌شود که قدم در این راه نهاده و نهایت تلاش و کوشش خود را برای شناخت بهتر امام به کار می‌بندند.

۱-۳-۸ معرفت امام، راه معرفت خدا

در برخی از روایات اهل بیت علیهم‌السلام، از معرفت الله به معرفت امام واجب الطاعه تفسیر شده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۸۰) و سرّ آن این است که معرفت امام و اطاعت از او، متفرّع بر اطاعت خدا و معرفت اوست؛ چون تا انسان، معتقد به خدا نشود و اطاعت او را واجب نداند، معتقد به اطاعت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه الهی علیهم‌السلام، نخواهد شد. از سوی دیگر، در برخی روایات آمده: اگر معرفت امام عادل هر عصر و اطاعت او نباشد، معرفت خدا و اطاعت او نفعی نخواهد داشت (همان، ۴۳۷) رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: من و علی علیه‌السلام دو پدر این امت هستیم؛ هر کس ما را شناخت، خدا را شناخته و هر کس ما را انکار کرد، خدا را انکار کرده است (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۱۰۶-مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۶: ۳۴۲). بنابراین انسان از طریق اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند به خدا برسد، چرا که راه معرفت خدا، معرفت امام معصوم علیهم‌السلام است. ولایت، طریق جریان توحید در عالم است. لذا درک حقیقت توحید، جز با درک مراتب ولایت میسر نمی‌شود. بُرسی می‌گوید: کسی که به حقیقت نبوت و ولایت معرفت حاصل

نماید، به پروردگارش معرفت پیدا نموده است و در واقع شناخت پروردگار از رهگذر شناخت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی عَلِيٌّ حاصل می شود (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۳۰۰).

۲-۳-۸ زندگی آرمانی در سایه ولایت

داشتن محیطی امن و زندگی آرام و بی دغدغه، خواسته ای بایسته و شایسته برای همه انسان هاست. این حیات اجتماعی ایده آل، تنها در پرتو باور داشت توحید و ولایت و پیروی از خدا و جانشینان او به دست می آید (همان، ۱۱۹). بر اساس رهنمودهای قرآنی، خدای سبحان حاکم و مطاع حقیقی است و همو افراد شایسته ای را نیز برای حکومت برگزیده است (همان، ۸۶-۱۷۷) پس همه مومنان باید بر پایه ایمانشان همه دستورات خداوند متعال و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام را فرمان برند (النساء: ۵۹) قرآن کریم، کامیابی آدمی را در سایه اطاعت از خدا و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می داند (الاحزاب: ۷۱) که بر اساس هماهنگی و همتایی رسول و عترت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۶: ۴۰۷) بی گمان فرمانبری از اهل بیت و ولایت پذیری آنان را نیز در بر می گیرد.

۳-۳-۸ بر خورداری از علم صحیح در پرتو هدایت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام

خداوند متعال در قرآن کریم مردم را به مرجعیت علمی و دینی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام فراخوانده: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (النحل: ۴۳) امام صادق عَلِيٌّ در توضیح این آیه فرمود: خداوند ما را اراده فرموده و ما اهل ذکر هستیم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۱۰-بُرسی ۱۴۲۷ق، ۱۶۶). همچنین فرمود: اگر طالب علم صحیح هستی، نزد ما اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۷۲). بر پایه روایات، اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام وارث علوم الهی، مرجع و کانون نشر آداب و معارف ناب در جهان اند که مردم به برکت آموزه های نورانی و منبع جوشان علوم اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام از دانش صحیح برخوردار می شوند. امام باقر عَلِيٌّ فرمود: اگر به شرق یا غرب عالم بروید، دانش صحیحی نمی یابید مگر آنچه از نزد ما اهل بیت بیرون می آید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۹۹). بر این اساس اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام ریشه همه خیرات جهان و سرچشمه علوم و معارف اند و بشر تنها با بهره گیری از آموزه های وحیانی پیشوایان معصوم: می تواند به کمال و سعادت حقیقی بار یابد (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۱۷۹). بُرسی می گوید: اینکه پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: من شهر علمم و علی عَلِيٌّ درب آن است، بدان جهت

است که کسی داخل شهر نمی‌شود مگر از راه و درب آن؛ که پیامبر ﷺ اخذ علم را بعد از خود در امام علی علیه السلام و فرزندان او منحصر گردانید، لذا هر کس بعد از آن حضرت از غیر امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام اخذ علم نماید؛ این کار او بدعت و ضلالت و گمراهی خواهد بود (برُسی، ۱۴۲۷ق، ۳۶).

۴-۳-۸ ورود به بهشت نتیجه معرفت امام

اگر کسی پیوند ولایی با دودمان عصمت و طهارت داشته باشد، می‌کوشد که طعم و رایحه ولایت در هستی او پدید آید و خود جزء اولیای الهی شود، و کسی جزء اولیای خدا شد، در آن صورت بهشت مشتاق او است. در برخی از روایات آمده است که بهشت مشتاق سلمان است و اشتیاق بهشت به سلمان بیش از علاقه سلمان به بهشت است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۲: ۳۴۲)، سرش آن است که بهشت محصول عقیده و اخلاق صحیح و عمل صالح است که اینها حاصل اطاعت و پیروی از امام است. در برخی از روایات ورود به بهشت و جای گرفتن در جوار رحمت الهی منوط به شناخت امام دانسته شده است (مفید، الامالی، ۱۴۱۳ق، ۲۱۳- برُسی، ۱۴۲۷ق، ۲۹۸). امیرمؤمنان علیه السلام معرفت امامان معصوم را کلید ورود به بهشت و رهایی از آتش جهنم بیان کرده است (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۵۲) برُسی می‌گوید: برای امام علی علیه السلام دو نور است، نوری در آسمان و نوری در زمین، پس کسی که به یکی از آن دو تمسک جوید وارد بهشت می‌شود (برُسی، ۱۴۲۷ق، ۸۱). در جای دیگر می‌گوید: داخل شدن در بهشت به سبب حبّ و دوستی و اطاعت از امام امکان پذیر است (همان، ۱۸۹).

۴-۳-۵ کسب ایمان در پر تو معرفت امام

ایمان یکی از پر بارترین واژه‌های آسمانی و استوارترین جلوه‌های انسانی است. ایمان در مکتب آسمانی قرآن، در برابر اسلام، حقیقتی والا است. اگر اسلام امری زمینی و قابل دسترسی است؛ به گونه‌ای که هر کس می‌تواند ادعای مسلمانی داشته باشد و خود را مسلم بدانند؛ ولی ایمان حقیقتی علوی و آسمانی است که به راحتی در اختیار کسی قرار نگرفته و در هر دل و جانی مستقر نمی‌شود (الحجرات: ۱۴). درجه ایمان هر فرد رابطه مستقیمی با معرفت و محبت او نسبت به امام دارد (همان، ۱۸۸-۳۵۲). اصل و گُنه ایمان،

امیرالمؤمنین علیه السلام است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۵: ۳۵۲-همان، ۱۷۷) که مومنان به واسطه ایشان شناخته می شوند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۲: ۴۸) و هر کس به اندازه محبت و معرفتش نسبت به اهل بیت علیهم السلام دارای درجات ایمان می شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۰۳-همان، ۱۷۶-۸۸). بُرسی سخن امام علی علیه السلام به سلمان را بیان می کند که حضرت فرمود: ایمان مومن کامل نمی شود تا اینکه مرا به مقام نورانیت بشناسد، پس وقتی که مرا بدین گونه شناخت او مومنی است خداوند قلب او را برای ایمان امتحان نموده و برای پذیرش اسلام به او شرح صدر داده است (همان، ۲۵۵). در روایتی امام باقر علیه السلام مومن را این گونه توصیف فرمودند: هیچ بنده ای مومن نمی گردد تا اینکه خدا و رسولش و تمامی ائمه علیهم السلام را بشناسد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۸۰). بُرسی در تحلیل اسلام و ایمان می گوید: اسلام و ایمان حبّ و دوستی امام علی علیه السلام است، زیرا کمال اسلام به واسطه داشتن ایمان است. اسلام حقیقی بدون داشتن ایمان ممکن نیست زیرا اسلام راستین همان داشتن ایمان است و ایمان حقیقی تنها در پرتو حبّ و دوستی امام علی علیه السلام حاصل می شود. به این مطلب اشاره دارد سخن خدای متعال که فرمود: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) زیرا که اسلام همان ایمان است، و ایمان به تمام و کمال نمی رسد مگر با حبّ و دوستی امام علی علیه السلام، پس ایمان چیزی نیست جز محبت و دوستی امام علی علیه السلام و نجات نیز ممکن نیست مگر بوسیله ایشان، زیرا امام علی علیه السلام حجت خداست بر مردم و ایمان به او، ایمان به خداست (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۱۸۲) که در صورت عدم ایمان به او داشتن اسلام هیچ منفعت و سودی نخواهد داشت (همان، ۱۸۷). او معتقد است نقطه نهایی و پایانی اسلام، ایمان است و خاتمه ایمان حبّ و دوستی امام علی علیه السلام است، پس حبّ و دوستی امام علی علیه السلام نقطه نهایی و خاتمه همه دین است (همان، ۱۸۲).

۶-۳-۸ قبولی اعمال در گرو معرفت امام

یکی از نتایج معرفت به امام، قبولی اعمال به واسطه ایشان است (صفار، ۱۴۰۴ق، ۴۱۳-همان، ۷۵). ایمان به اهل بیت علیهم السلام تنها اعتقاد صرف به امامت آنها نیست، بلکه باور همراه گرایش قلبی و تبعیت در عمل است. پذیرش اعمال عبادی مردم وابسته به معرفت امام معصوم است، هر کس بدون شناخت امام فریضه ای را بپا دارد و از کار حرام دوری

گزیند، برای خدا واجبی را انجام نداده و حرامی را ترک نکرده است (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۷۶). زیرا زمانی اعمال انسان پذیرفته می‌شود که نسبت به حجت الهی معرفت داشته و این شناخت زمینه ساز پذیرش ولایت و اطاعت و بندگی خداوند باشد (همان، ۹۹-۲۶۹). امام باقر علیه السلام با تأکید بر اینکه تقرّب جستن به پیشگاه خدای سبحان بدون معرفت و پیروی از راهبر الهی شدنی نیست، عبادت و تلاش های این گونه افراد را نزد خدا بی ارزش دانسته و آنان را در گمراهی آشکار می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۷۵-۳۲۷). امام صادق علیه السلام نیز پیشوایان معصوم را نمود عینی اسمای الهی دانسته که خدای سبحان آنان را وسیله عبودیت خویش قرار داد و همگان را به سوی آنان فراخواند؛ پیشوایانی که پذیرش اعمال بندگان در گرو معرفت آنان است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۴). همچنین در سخنی دیگر، اقرار به ولایت و سرپرستی امامان معصوم علیهم السلام را همچون باور به یگانگی خدای رحمان و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرط قبولی اعمال بیان داشتند (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق، ۲۰۰). پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: به دوستی ما خاندان چنگ زنید زیرا سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، عمل هیچ بنده ای به حال او سودمند نمی‌افتد مگر با معرفت و ولایت ما (مفید، الامالی، ۱۴۱۳ق، ۱۴۰).

۹- نصب و تعیین امام

امامت، عهدی است الهی و مقامی موهبتی از طرف خداوند متعال است (البقره: ۱۲۴). امامیه معتقدند امامت و خلافت منصبی الهی است و برخوردار از صفاتی چون علم و عصمت برای تبیین، حفظ و دفع شبهات از دین لازم و ضروری است، و از آنجا که این صفات باطنی هستند و برای کسی جز خدای متعال اطلاع از این صفات باطنی ممکن نخواهد بود، از این رو امام و رهبر جامعه اسلامی باید از سوی خدای متعال تعیین شود و معرفی و شناساندن او توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم ابلاغ گردد (حلی، ۱۴۰۸ق، ۳۴۳). بُرسی معتقد است امامت، رهبری جامعه بشری با نصب الهی و جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در امور دینی و دنیوی است (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۲۰۳). امام شخصی است که بر اساس نصب الهی در این منصب قرار گرفته و فقط خداوند می‌تواند این مقام و جایگاه را به امام اعطا کند (همان، ۳۳۹). نصب و تعیین امام لطف واجبی است بر خداوند و ابلاغ و تبیین آن بر

عهده پیامبر است (همان، ۳۳). وجوب نصب امام، وجوب کلامی است؛ یعنی، این نصب مقتضای حکمت و رحمت الهی است^۱. پس اگر ترک شود مستلزم نقص در ساحت خداوندی و در نتیجه محال خواهد بود. دلیل این وجوب نیز از نظر امامیه عقل و با تأیید و تعیین مصداق آن از سوی نقل است (نجارزادگان، ۱۳۹۰، ش ۷) بر این اساس می توان گفت: اصل امامت در دیدگاه شیعه تبیینی عقلی دارد که در آثار متکلمان شیعی به صورت فشرده چنین تقریر شده است: تعیین امام (و نصب وی) لطف است، لطف بر خداوند واجب است «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» (الانعام: ۵۴) پس نصب امام بر خداوند واجب است (نصیر الدین طوسی، ۱۴۰۷، ق، ۲۸۴). زیرا عقل بشر هرگز به اوج آسمان امامت بار نیافته و فکرش به بلندای آن مقام رفیع نمی رسد تا شایستگی یابد امامت را جعل و امام معین کند (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۱: ۲۰۱-بُرسی، ۱۴۲۷، ق، ۱۷۸). بُرسی می گوید: خداوند متعال فرموده هر کس غیر از آنچه که خدا و رسولش انتخاب نمودند اختیار نماید؛ مومن نیست (بُرسی، ۱۴۲۷، ق، ۳۲۹) زیرا اگر اختیار نصب خلافت با امت باشد پس باید نصب نبوت هم با ایشان باشد. چون انتخاب پیامبر با مردم نیست، لذا انتخاب خلیفه پیامبر نیز با ایشان نخواهد بود (همان، ۳۳۰). چون امامت میراث انبیاء و جایگاه اوصیاء و جانشینی خداوند و پیامبران الهی است... مثل امام همانند خورشید تابان بر بندگان است که دست ها و چشم ها توان درک او را ندارند (همان، ۱۷۷).

۱۰- شناخت مقام و ویژگی های امام

از مباحث مهم که تاثیر کلیدی و اساسی در فرهنگ شیعه امامیه دارد، معرفت به جایگاه و مقام اهل بیت علیهم السلام به عنوان رکن اساسی در شناسایی حقیقت دین است. امامت در اندیشه شیعه، همتای نبوت بوده و ولایت آن دو را به یکدیگر پیوند داده است. امامان معصوم علیهم السلام در بهره مندی از ولایت الهی و دیگر مقامات و فضائل، با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شریک بوده و از شئون یکسانی برخوردارند، چون همان گونه که قرآن کریم، رسول

۱- البته کسی این امر را بر خداوند واجب نمی کند، بلکه حق تعالی خود به مقتضای صفات کمال و جمال، آن را بر خودش واجب می کند؛ چنانکه می فرماید: كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ (انعام: ۵۴)؛ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى (اللیل: ۱۲) (ر.ک: ربانی گلپایگانی، امامت در بینش اسلامی: ص ۵۱)

خدا ﷺ را ولیّ امر مردم دانسته و به فرمانبری بی چون و چرا از ایشان فرمان داده: «مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (الحشر: ۷) بر پایه آیات و روایات، امامان معصوم علیهم‌السلام نیز از چنین مقام و جایگاهی برخوردارند. بر این اساس جایگاه و مقام رفیع اهل بیت علیهم‌السلام از موضوعات مهمی است که شناخت آن تاثیر بسزایی در دو عرصه اعتقادی و عملی دارد، زیرا هم مرز های صحیح اعتقاد به جایگاه امامان را روشن می کند تا انسان به غلو و تقصیر دچار نشود و هم در میزان اطاعت و پیروی از امام تاثیر گزار است. حقیقت امامت و جایگاه ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام دارای ابعاد وسیعی است که فهم همه مراتب آن برای عقول عادی بشری دشوار و چه بسا دست نیافتنی است. چنان که در روایات وارد شده که: ما را خدا ندانید و هر چه می خواهید در مقامات ما بگویید، اما به حقیقت آن نمی رسید (صفار، ۱۴۰۴ق، ۲۳۶-تُرسی، ۱۴۲۷ق، ۶ و ۱۰۵). با این همه تردیدی نیست که فهم مراتبی از این مقام ها غیر ممکن نیست، بلکه مورد سفارش نیز قرار گرفته است (صفار، ۱۴۰۴ق، ۲۰- کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۰۱). لذا بهترین معرفت درباره شخص یا چیزی از معرفی بهترین معرف حاصل می شود و هیچ معرفّی درباره اهل بیت علیهم‌السلام و بویژه امام علی علیه‌السلام چون قرآن و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیست. از جمله اقدامات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، در بیان ارزش شناخت جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام، تاکید بر اهمیت و ضرورت شناخت آنان با عناوین مختلف از جمله: تشبیه اهل بیت علیهم‌السلام به کشتی نوح (تُرسی، ۱۴۲۷ق، ۷۱)، باب حطه (همان، ۸۶)، ستارگان آسمان (همان، ۹۱)، جایگاه کعبه در زمین (همان، ۲۳۷) بوده است. به همین جهت امامت در منظومه تعالیم شیعه، جایگاهی ویژه دارد، این منصب از یک سو در حدیث ثقلین همتای قرآن قرار داده شده (همان، ۲۲۸) و از سوی دیگر بنا به شئون والای او، بر سایر مبانی اسلام برتری یافته است. همانگونه که از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که فرمود: اسلام، بر پنج چیز بنا شده است: بر نماز و زکات و حج و روزه و ولایت. پرسیده شد کدام یک از آنها برتر است. امام فرمود: ولایت بر امور دیگر برتری دارد، چون کلید آنهاست، و والی راهنما به سوی آنهاست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۱۸-همان، ۹۱)

۱-۱۰ الهی بودن مقام امامان

یکی از شئون مشترک میان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام مقام «امامت» است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اوصیای ایشان از کامل ترین مرتبه امامت با حفظ تفاضل و تفاوت رتبی برخوردارند. در قرآن کریم (البقره: ۱۲۴-المائده ۳ و ۵۵) و روایات (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۷۸) آنگاه که از شوون و مولفه های مرتبط با مقام امامت سخن به میان می آید، همواره بر الهی بودن آنها تاکید داشته و دیگران را فاقد اختیار معرفی می کند. زیرا امامت بسان نبوت مقام ملکوتی و آسمانی است و خداوند به شایستگان، عطا می کند (الانعام: ۱۲۴) که پس از رسول خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ویژه جانشینان معصوم آن حضرت است. از مهم ترین مولفه های مقام امامت، وجوب پیروی و اطاعت از امام که با تفویض دین، رابطه ای مستقیم دارد و سپس علم و عصمت را مورد بررسی قرار می دهیم.

۲-۱۰ مقام مفترض الطاعه (وجوب اطاعت)

یکی از مهمترین مولفه های مقام امامت، وجوب پیروی و اطاعت از امام است (النساء: ۵۹). بر پایه آموزه های دین، معرفت و اطاعت از حضرت حق با معرفت و فرمان پذیری اولیای معصوم گره خورده است. ولایت بر بندگان ویژه خدای رحمان است «فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ» (الشوری: ۹). از این رو تنها کسانی دارای ولایت و سزاوار پیروی اند که از سوی او به این مقام برگزیده و فرمانبری از آنان به اطاعت از خداوند باز گردد. «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (النساء: ۸۰). اولیای معصوم مظهر کامل صفات الهی بوده و ولایت آنان تجلی گاه ولایت خدای سبحان و مجرای تحقق اراده خداوند متعال است (مفید، الامالی، ۱۴۱۳ق، ۱۴۲). بر اساس آیات و روایات، ولایت و سرپرستی بندگان از سوی خدای سبحان به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اوصیای معصوم ایشان واگذار شده است (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۶۳ و ۲۳۲ و ۲۶۸ و ۳۷۶). خداوند در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (النساء: ۵۹) اطاعت از اولی الامر را در طول اطاعت از خدا و رسول دانسته که در احادیث اولی الامر بر امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۷۶-بُرسی، ۱۴۲۴ق، ۷۲). امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: خداوند اطاعت ولی امر را به اطاعت رسولش و اطاعت رسولش را به اطاعت خودش متصل کرده است. پس هر کسی اطاعت والیان امر را ترک کند، خدا و رسولش را اطاعت نکرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۸۲). بُرسی می گوید: خداوند به صراحت درباره اطاعت مردم از

اهل بیت علیهم‌السلام در طول اطاعت از خدا و رسول در قرآن کریم اشاره فرموده است (برسی، ۱۴۲۷ق، ۱۶۳). همچنین آیه «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (الحشر: ۷) به شخص حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اختصاص ندارد، بلکه اوصیای معصوم ایشان را نیز در برمی گیرد، زیرا آنان وارثان پیامبر و منبع بیان حلال و حرام الهی پس از او هستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۴۱- برسی، ۱۴۲۷ق، ۶۳). بر این اساس همان گونه که شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از سوی خداوند عهده دار تبیین دین است، پس از او، اوصیای معصوم علیهم‌السلام نیز این مسئولیت را دارا بوده و پذیرفتن فرمان آنان تکلیف الهی بر همگان است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۸۷).

۳-۱۰ مرتبه ولایت امام

جایگاه و مرتبه ولایت امام همانند ولایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، همان ولایت الهی است (مفید، الامالی، ۱۴۱۳ق، ۱۴۲). زیرا ولایت خداوند بر بندگان از راه ولایت پذیری اولیای الهی به فعلیت می رسد (تفسیر المنسوب الی الحسن العسکری علیه‌السلام، ۷، ۱۴۰۹ق، ۵۹۳). اولیای معصوم مظهر کامل صفات الهی بوده و ولایت آنان تجلی گاه و ظهور ولایت خدای سبحان است (برسی، ۱۴۲۷ق، ۲۴۵). بر این اساس امامان معصوم علیهم‌السلام مظهر اتم ولایت الهی در عرصه تکوین و تشریح و حلقه نخست دریافت فیض الهی اند که همه کمالات و فیض ها به واسطه ایشان از سوی خداوند منان به دیگر حلقه های وجودی افاضه می شود. لذا پذیرش ولایت آنان، سر نهادن به ولایت الهی و عدم پذیرش آن، مخالفت با ولایت خداوند است. امام باقر علیه‌السلام با اشاره به یگانگی ولایت اولیای معصوم با ولایت الهی آن را اساس برانگیختگی همه پیامبران الهی می داند (صفار، ۱۴۰۴ق، ۷۵- برسی، ۱۴۲۷ق، ۱۳۲). بر این اساس خاستگاه اطاعت، ولایت است و امامان معصوم مجالای ولایت الهی و مجرای تحقق اراده خدای بزرگ اند و از جانب او به این مقام برگزیده شده اند، پس آنان نیز بر دیگران ولایت دارند و همان گونه که اطاعت از فرمان الهی واجب است پیروی از پیشوایان معصوم نیز بایسته است.

۳-۱۰-۱ ولایت تکوینی و تشریحی امام

خلق و تدبیر امور همه موجودات جهان منحصرأ از آن خداست «الْأَلَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ»

«(الاعراف: ۵۴) اما چون سنت خداوند متعال بر این استوار است که تدبیر امور عالم را در عرصه های تکوین و تشریح، از راه وسائط و اسباب آنها انجام دهد اَبی اللّٰهُ اَنْ یَجْرِیَ الْاِشِیَاءَ اِلَّا بِاَسْبَابٍ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۸۳) و اسباب عادی و مقدمات آن را نیز فراهم کند اِذَا اَرَادَ اللّٰهُ اَمْرًا هِیَا اَسْبَابُهُ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۸: ۱۵۴) تفویض نیز در گردونه اسباب و مسببات، معنا می یابد، این معنا از تفویض، از مصادیق ربوبیت الهی در نظام کلی اسباب و مسببات شمرده می شود. از این رو جریان امور تکوینی و تشریحی به دست انبیاء و اولیاء و فرشتگان و تصرفات آنان که همگی مجرای تدبیر الهی اند از مصادیق این معنا از تفویض است. بر این اساس، اعتقاد به تفویض کارها از سوی خدای سبحان به انبیاء و اولیای الهی و اعطای جایگاه ویژه به آنان در امور تشریح و تکوین، نه موجب غلو است؛ نه مستلزم شرک، زیرا ایشان مجرای تحقق مشیت خدای سبحان اند. همانگونه که در عرصه تکوین، اراده ایشان مظهر مشیت الهی است، در حوزه تشریح نیز خواست آنان جلوه اراده خداوند است. از منظر قرآن کریم تمام شوون عالم هستی در دو حوزه تکوین و تشریح از ولایت الهی ناشی می شوند. ولایت و اختیاری که انسان معصوم در زمین دارد، جلوه ای از ولایت خدا و خلافت اوست و امامت مرتبه اعلای این ولایت و خلافت است که با شوون ولایی گوناگونی همراه است. از این منظر، امامت در فلسفه تکوینی آن، حلقه واسطه و رابطه میان زمین و آسمان و عالم انسانی و عالم ربوبی و به عنوان خلافت الهی تعریف شده و به لحاظ فلسفه تشریحی، تجلی اطاعت از خدا و بستر عبودیت و انجام فرایض عبادی شمرده شده که مسیر بندگی و رشد و کمال انسانی را در مراتب گوناگون فردی و جمعی تسهیل می بخشد و اطاعت از او اطاعت از خداست. چنین مقامی جز به اراده خاص الهی تحقق نیافته و اختیار آن قابل تفویض و وانهادن به میل و انتخاب مردم نیست.

۱-۳-۱۰ فوائد ولایت تکوینی و تشریحی امام

براساس کاربرد ولایت در قرآن می توان گفت که مفهوم قرب همراه با حق تصرف و مالکیت تدبیر را در بر دارد که اولاً بالذات برای خداست، و ثانياً و بالتبع یا بالعرض برای اولیای او، خواه آن تدبیر در نظام تکوین باشد یا در قلمرو تشریح. لذا امام به واسطه داشتن ولایت الهی در جهان آفرینش دارای آثار تکوینی و تشریحی بسیاری است. اثر تکوینی

ولایت امام، ناظر به فیض رسانی او به وجود انسان و جهان و نعمت‌های مادی و معنوی است که همه جهان را در بر می‌گیرد. اثر تشریحی ولایت امام به هدایت بخشی او مرتبط است که در پرتو عنایت ویژه ایشان نصیب فرد و جامعه می‌شود.

۱-۱-۱-۱-۱ واسطه بقای عالم

در تفکر اعتقادی شیعه، واسطه میان خلق و خالق در مرحله ابداع و پس از آن، پیامبر اکرم^ه و ائمه طاهرین: هستند و فیض الهی توسط ایشان به مخلوقات جهان افاضه می‌گردد. امام صادق^{علیه السلام} فرمود: ما اهل بیت، سبب فیض میان شما و خداوند هستیم (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۱۵۷-۲۱۹). شیعه احادیث فراوانی در دست دارد که از امام با عنوان هسته مرکزی عالم هستی یاد، و از وابستگی همیشگی جهان به امام سخن گفته شده است. امام عسکری^{علیه السلام} فرمود: زمین تا قیامت از حجت الهی بر بندگانش خالی نمی‌ماند (همان، ۸۵) بر اساس این روایات، زمین هیچ‌گاه در گذشته و آینده تا فرارسیدن زمان قیامت، از وجود حجت الهی و امام معصوم خالی نبوده و نخواهد بود.

۱-۱-۱-۲-۱ واسطه تداوم نعمت

همه نعمت‌های مادی و معنوی، از مجرای ولایت امام و خلیفه الهی بر دیگر مخلوقات سریان می‌یابد، از این رو در دعاها امام واسطه نعمت، کانون عالم هستی، مایه ثبات و برقراری آسمان و زمین و ریزش روزی بر مخلوقات شناسانده شده است. به برکت وجود او همگان روزی می‌خورند و به سبب وجود ایشان زمین و آسمان پابرجاست و به واسطه او زمین از عدل سرشار می‌شود (همان، ۱۵۷) امام هادی^{علیه السلام} در زیارت جامعه کبیره درباره جایگاه محوری امامان فرمود: خداوند با شما آغاز می‌کند و به شما ختم می‌کند و به برکت شما باران فرو می‌بارد و به یمن وجود شما آسمان را نگه داشته تا بر زمین نیفتد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۲: ۶۱۵-همان ۷۶).

۱-۱-۱-۳-۱ واسطه دفع بلاها

وجود و حضور حجت خدا در روی زمین به عنوان خلیفه خدا و انسان کامل، برکات فراوانی دارد. یکی از ثمرات مهم حضور فیزیکی و معنوی آنان این است که خداوند به واسطه آن‌ها بلا را از اهل زمین دفع می‌نماید. این مطلب در قرآن و روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند درباره حضرت خاتم الانبیاء^{صلی الله علیه و آله} می‌فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ

لِيَعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» (الانفال: ۳۳) امام نیز بسان پیامبر مایه امنیت و آرامش انسان‌ها و سبب دفع بلا از آنان و شیعیان خود است. امام زمان علیه السلام فرمود: **أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ بَيْتِ شِيعَتِي** (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۱۶۰) امام صادق علیه السلام فرمود: به وسیله ما (اهل بیت خداوند) عذاب و نعمت را دفع می‌کند (همان، ۷۶).

۴-۱-۱-۳-۱۰ ولایت و هدایت باطنی

بر اساس روایات، امامان معصوم علیهم السلام تمام اختیارات پیامبر صلی الله علیه و آله، بجز دریافت وحی را دارند. به آنان وحی تشریحی نمی‌شود تا حکم تازه ای بیاورند، اما از مقام وجایگاه ولایت، کار پیامبرانه می‌کنند، زیرا ولایت باطنی پیامبر در امام معصوم نیز حضور و ظهور دارد. این ولایت، نه تنها ولایت معنوی بر محور قرب فرائض و نوافل است، بلکه همان ولایت تشریحی و سرپرستی امت است که هرگز زوال نمی‌پذیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم بر همین سرپرستی و ولایت اصرار ورزید و از همگان بر آن بیعت ستاند (مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ۱: ۱۷۶).

۴-۲-۳-۱۰ تفویض دین

یکی دیگر از مولفه های مقام امامت تفویض امر دین به ائمه علیهم السلام است که از شاخصه های تفکر شیعه در طول تاریخ، اعتقاد به ولایت تشریحی و تفویض امر دین به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بوده است (صفار، ۱۴۰۴ق، ۳۸۳). تفویض امر دین به ائمه علیهم السلام از بحث انگیزترین مسائلی است که از دیر باز معرکه آراء میان عالمان و اندیشمندان قرار گرفته است. عنوان تفویض دین به پیامبر صلی الله علیه و آله و در پی آن به ائمه معصوم علیهم السلام در روایات متعدد و به تبع آن در اندیشه اعتقادی متکلمان جایگاهی ویژه دارد (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۶۸ و ۳۳۶ و ۳۷۶). بر اساس بیان امام صادق علیه السلام خدای حکیم فرمانروایی در کار دین را بر عهده پیامبر نهاد و پس از وی همه این اختیارات را به اوصیای معصوم ایشان واگذاشت: **إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَيَّ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله أَمْرَ دِينِهِ فَقَالَ: وَمَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا** (الحشر: ۷) **فَمَا كَانَ مُفَوَّضًا إِلَيَّ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله فَقَدْ فَوَّضَ إِلَيْنَا** (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۶۸).

۴-۱۰ علم امام

از آنجا که امام، رهبری جامعه اسلامی را در امور دینی و دنیوی آنان بر عهده دارد، باید به همه مسائلی که در حوزه رهبری او قرار دارد؛ آگاه باشد. لازمه صفات اعلای امام و وجود نوری و عرشی او داشتن علمی فراتر از دیگر انسان هاست تا بدان وسیله هدایت امت فراهم گردد. شیعه معتقد است امام، چون منصوب از جانب خداست، باید دارای علمی تام و کامل نسبت به شریعت باشد، و خداوند متعال این علم را در اختیار امام قرار می‌دهد (مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۴۰-بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۲۲۱). امامان شیعه دارای درجه‌ای عالی از علم می‌باشند که فراتر از علم بشری است، اما این علم امری ذاتی و استقلال‌ی نیست بلکه جنبه افاضی دارد. امام معصوم علیه السلام به اذن خدا از غیب و همه چیزهایی آگاه است که در مصالح امت اسلامی دخالت دارند (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۶۹). بدین ترتیب، امامان علیهم السلام مظهر علم الهی هستند؛ یعنی همان گونه که چیزی از حیطه علم بی پایان الهی مخفی نمی‌ماند (البقره: ۲۳۱). گستره علم امام نیز همه موجودات نظام هستی را در بر می‌گیرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۲۹-بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۲۰۷) زیرا به منبع لایزال علم الهی مرتبط است و تابع اراده خداست و تا خداوند نخواهد آنان نیز اراده ای ندارند (قمی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۴۰۹). به بیان دیگر: یکی از شوون و وظایف مهم امام، حفظ دین الهی و اصلاح امور مردم است. بدیهی است که این امر بدون آگاهی از دین امکان پذیر نیست. بی تردید، علم و دانش احکام دین که برای پیشوایان جامعه اسلامی ضروری است و اجرای احکام شرع و تربیت الهی مومنان متوقف بر دانستن آنهاست، درباره مقام امامت انکار ناپذیر است. همچنین تطبیق و اجرای درست احکام در خصوص فرد و جامعه، وابسته به اشراف و آگاهی امام از نیازهای فردی و جمعی انسان هاست (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۲۱۲ و ۲۱۷). امام باقر علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: خدا والاتر از آنست که فرمانبری از بنده‌ای را واجب کند که علم آسمان و زمینش را از او نهان داشته است و آن را از او نهان نکند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۶۲). متکلمین شیعه، علم را در عالی‌ترین مرتبه آن از صفات امام می‌دانند (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۱۷۹ و ۱۸۰).

۴-۱۰-۱ گستره علم امام

متکلمان شیعه امامیه، علم در امامت را، در عالی‌ترین حد لازم، از صفات امام دانسته‌اند. (نصیر الدین طوسی، ۱۴۰۵ق، ۴۳۰) بر اساس روایات وارده در این زمینه بدیهی است

که امام افزون بر آگاهی های حسی و عقلی، از دانش های دیگری نیز برخوردار است که هرگز نمی توان آنها را با ابزاری مانند حس و عقل کشف نمود. امام در مرتبه نورانیت و ولایت کلیه که حقیقت امامت اوست، به عنایت الهی بر همه عوالم مسلط است و چیزی از احاطه علمی او مخفی نمی ماند. امام علی علیه السلام که خود مظهر علم فعلی خدای سبحان است در معرفی خویش در این زمینه می گوید: من علم خدا هستم (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ۱۶۴). به عبارت دیگر، تمام حوادث عالم در معرض دید امام است و چیزی به نام گذشته، حال و آینده برای وی مطرح نیست. از این رو در روایت آمده که: امام هرگاه بخواهد بداند، می داند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۵۸). زیرا او مظهر علم بی پایان الهی است؛ همانطور که چیزی از حیثه علم بی پایان خدا مخفی نمی ماند «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (البقره: ۲۳۱) گستره علم امام نیز همه موجودات نظام هستی را در برمی گیرد. لیکن باید توجه داشت که علم الهی استقلالی بوده، اما علم امام تبعی و عرضی است و به منبع لایزال الهی مرتبط است و اساساً اگر تعلیم و افاضه خداوند نباشد علم امام نیز همانند دیگران خواهد بود. لذا در برخی از روایات آمده است: اگر امام بخواهد چیزی را بداند، خدا آن را به اومی آموزد. (همان)

۵-۱۰ عصمت امام

عصمت امام یکی از مهمترین و پرچالش ترین بحث های امامت در میان مذاهب اسلامی، به شمار می رود. و به اعتقاد شیعیان امامیه عصمت از شرایط ضروری امام بشمار می رود (نصیر الدین طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲۲۳). عصمت به لحاظ ساختار صرفی، اسم مصدر از ریشه «ع ص م» است که در زبان عربی به معنی امساک، حفظ و منع است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۷۷۹-۷۷۹-۱۰: ۱۷۵). در تعریف اصطلاحی آن گفته شده: عصمت عبارت است از لطفی که خداوند در مورد بنده خود انجام می دهد و به واسطه آن انسان از فعل قبیح امتناع می ورزد (علم الهدی، ۱۴۰۵ق، ۳: ۳۲۵- بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۳۴۰). علامه حلی می نویسد: امامیه بر این عقیده اند که امامان، همچون پیامبران، باید در تمام دوران زندگی از همه گناهان و پلیدی ها، عمدتاً و سهواً معصوم باشند؛ زیرا آنان، همانند پیامبران، حافظان شرع الهی اند (حلی، ۱۴۱۴ق، ۱۶۴). متکلمان امامیه ادله عقلی و نقلی متعددی در اثبات ضرورت معصوم بودن امام، اقامه کرده اند. از ادله عقلی می توان به

دلیل «شرط بودن عصمت برای حفاظت از شرع» و «لزوم تسلسل در صورت عدم عصمت امام» اشاره کرد. از ادله نقلی نیز می‌توان به آیات سوره «بقره: ۱۲۴ و احزاب: ۳۳» اشاره نمود (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۱۶۱ و ۳۲۱). از روایات نیز حدیث ثقلین مشهورترین دلیل نقلی است که مورد استناد متکلمان در اثبات ضرورت عصمت معصومان قرار گرفته است (همان، ۱۶۲ - یزدی مطلق، ۱۳۸۱ش، ۱۶۲). بُرسی می‌گوید: این معیار امامت را خداوند بارها مورد تاکید قرار داد که امام باید، معصوم از هر لغزش، گناه و آلودگی باشد و دیگران را از حریم شرافت و حکمت الهی آنان بیرون کرد (همان).

۱۱- امامت خاصه

براساس شرحی که در باب فلسفه امامت بیان شده، سنت مستمرهدایت الهی در امامت و پیشوایی اولیای الهی تجلی می‌کند. آرمان‌گزینش جانشینان معصوم برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله از سوی خدا همان هدف اصیل بعثت نبوی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله با فرمان‌ها و بیان روایات متعدد، از جمله حدیث لوح (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۲۷-طوسی، ۱۴۱۱ق، ۱۴۳- بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۱۶۰) و حدیث جابر (مفید، ۱۴۱۳ق، ۲: ۱۵۸) جانشینان و حاملان میراث خود را به مردم معرفی نموده‌اند. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: جانشینان و اوصیای من و حجت‌های خداوند بر مردم بعد از من دوازده نفرند که اولینشان علی علیه السلام و آخرینشان مهدی علیه السلام است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۲۷- بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۸۸ و ۱۶۲). بدین سان، نظریه امامت الهی شیعه در شکل امامت و جانشینی پیامبر، از امام علی علیه السلام به دو فرزندش از نسل فاطمه زهرا علیها السلام و سپس به دیگر امامان از نسل امام حسین علیه السلام انتقال می‌یابد. در اثبات مقام ولایت و امامت امیر مومنان علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام ایشان دلایل بسیاری ذکر شده است که به سه دلیل اشاره می‌نمایم.

۱-۱ تصریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امامت امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام

از نظر شیعه، چون امام دارای مقام عصمت، پسندیده‌ترین افراد نزد خداوند و دانایان از همگان به شریعت است و این سه برای هیچ کس جز خداوند آشکار شدن نیست، بنابراین بر خداوند است کسی را به پیامبرش معرفی کند که دارای این معیارهاست و پیامبر نیز مردم را از وی، آگاه گرداند، که از آن به «نص» تعبیر می‌شود. در کتب امامیه برای اثبات نصب الهی امام به دو دسته از روایات و بالتبع آیات قرآن اشاره شده است: دسته اول

روایاتی هستند که در فضائل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام صادر شده اند؛ طوری که درباره احدی از امت به میزان این دوازده نفر - هم به لحاظ کیفی و هم به لحاظ کمی - منقبت و فضیلت ذکر نشده است. از آنجا که در دیدگاه امامیه، امامت برای افضل امت است، به طوری طبیعی نتیجه می گیریم این افراد بر اساس همین روایات افضل امت اند و از سوی خاتم النبیین صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای امامت معرفی شده اند. دسته دوم: بیانات و نصوصی هستند که به صورت خاص به خلافت، وصایت، امامت و ولایت ائمه علیهم‌السلام اشاره دارند. بنابر این روایات نیز معلوم می شود که خداوند متعال به وسیله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تنها علی بن ابیطالب علیه‌السلام و یازده فرزند او را برای امامت تعیین و نصب نموده است (تهرانی، ۱۳۷۴ش، ۱۷۵).

۲-۱۱ معجزه یا کرامت، همراه با ادعای امامت

راه دیگری که برای اثبات امامت و ولایت بلا فصل امیر المومنین علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد معجزات و کرامات ایشان، همراه دعوی امامت است. ائمه اطهار علیهم‌السلام از روش تصرف در امور برای اثبات امامت خویش بهره جسته اند. شیخ حرّعاملی در کتاب اثبات الهداء بالنصوص والمعجزات و بحرانی در کتاب مدینه المعاجز بسیاری از معجزات ایشان را بیان کرده اند. بُرسی نیز برخی از اسرار و معجزات ائمه علیهم‌السلام را ذکر نموده است (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۱۱۴ و ۱۶۰).

۳-۱۱ افضلیت در شئون امامت

کمالات و فضائل ائمه علیهم‌السلام از مباحث اعتقادی و دارای حساسیت فراوان در طول تاریخ تشیع بوده است. شکی نیست که اداره جامعه اسلامی از نظر علمی و عملی و حفظ کیان مکتب وحی از انحراف و تحریف و رفع اختلاف در حوزه های مختلف به سرپرست و امام لایق و شایسته نیاز دارد. از این رو اگر در صفات و کمالات سرپرست جامعه، خلل و نقصی باشد، از عهده سرپرستی صحیح جامعه دینی بر نمی آید. امام صادق علیه‌السلام درباره نشانه ها و علامت های امام فرمود: برای امام منصوب از جانب خداوند نشانه هایی است از جمله اینکه او داناترین، محکم ترین، باتقواترین، باگذشت ترین، شجاع ترین، باسخاوت ترین و فرمان بردارترین مردم است (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ۱۰۲). همچنین وقتی از ایشان درباره نشانه های امام و ولیّ هر زمان سوال شد، فرمود: امام کسی است که به حلال و حرام الهی آشناست و مردم به او نیازمند هستند و او به کسی نیاز ندارد (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق، ۲۴۲).

بُرسی می گوید: هارون افضل قوم موسی بود، مقام و منزلت امام علی علیه السلام نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همان مقام هارون نسبت به موسی است، پس لازم است که علی علیه السلام از تمام امت افضل باشد (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۳۲۴-۳۴۰). متکلمان شیعه امامیه به افضلیت امام در صفات کمال انسانی و افضلیت در عبادت و بهره مندی از پاداش الهی معتقدند. خواجه نصیر الدین طوسی می گوید: امام باید بر هر یک از افراد تحت فرمان خود برتر، سخاوت مندتر و شجاع تر باشد. حاصل آنکه، وی باید در آنچه از کمالات انسانی بشمار می رود کامل تر از دیگران باشد، زیرا او بر همگان مقدم استواز نظر عقل، مقدم داشتن فرد بر کسانی که کامل تر از او هستند، قبیح است (طوسی، نصیر الدین، ۱۴۰۵ق، ۴۳۱).

۱۲- امامت و مهدویت

اصل ضرورت تداوم و استمرار امامت تا روز قیامت، امری مسلم و مبتنی بر شواهد قرآنی و روایی است (طوسی، نصیر الدین، ۱۴۰۷ق، ۲۲۱) از این رو، تداوم و استمرار امامت پیشوایان پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و طول عمر امام دوازدهم علیه السلام، از سنت های ضروری تاریخ شیعه امامیه است. اصل امامت امام زمان علیه السلام، مانند امامت دیگر امامان شیعه، بر پایه نص استوار است (بُرسی، ۱۴۲۷ق، ۷۳). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هر یک زمینه ظهور امام بعدی را فراهم و امامان گذشته را تصدیق می کردند، ولی بشارت تمام ائمه علیهم السلام به ظهور امام زمان علیه السلام و ویژگی منحصر به وجود مبارک ولی عصر علیه السلام است که خاتم اوصیاست. (همان، ۵۹) اهل بیت علیهم السلام در کنار ترویج و تبیین مفهوم امامت، از همان آغاز کوشیدند که شیعیان مرتبط با خود را از این موضوع آگاه کنند که حضور همیشگی حجت و نیاز همواره هستی به او، با ظهور و آشکار بودن او تفاوت دارد. امام علی علیه السلام در پاسخ اصبح بن نباته می فرماید: در اندیشه مولودی از نسل خودم هستم که یازدهمین فرزند من است او همان مهدی است که دنیا را پر از عدل و داد می کند، همانطور که پر از ظلم و ستم شده است. برای او غیبتی است که گروهی در آن زمان گمراه و گروهی دیگر نیز هدایت می شوند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۳۸-طوسی، ۱۴۱۱ق، ۱۶۵).

نتیجه گیری

اندیشه امامت و ویژگی های امام به عنوان اصلی ترین وجه تمایز مکتب امامیه، از مهمترین مسائلی است که اندیشمندان شیعه در طول اعصار بر محور آن به بحث و گفتگو نشسته و درباره آن نظریه پردازی کرده اند. بُرسی بر این باور است که فرمان بری مطلق از امامان معصوم و پاسداشت حقوق و اقرار به کمالات بی مانند آنان، در گرو آشنایی با نظام اندیشه ای آن ذوات مقدّس و معرفت و شناخت و پذیرش معارف نورانی و حکمت بی کران آنان است. او معتقد است امامت مقامی بسیار والا و حتی بسی بالاتر از مقام نبوت و رسالت است که خداوند بر آن احتجاج نموده و پذیرش آن را نشانه کمال و تمامیت دین شمرده است. او وجود پیروی و اطاعت از امام را از مهم ترین مولفه های مقام امامت می داند که با تفویض دین رابطه ای مستقیم دارد. با بررسی روایات و منقولات او معلوم می شود که وی به ضرورت وجود و معرفت نسبت به امام، ولایت تکوینی و تشریحی باور داشته و معتقد است که امامت و خلافت منصبی الهی است و برخورداری امام بسان پیامبر از صفاتی چون عصمت و علم گسترده برای تبیین و حفظ دین ضروری است.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة للنعمانی، محقق علی اکبر غفاری، چاپ: اول، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، مصحح علی اکبر غفاری، چاپ: دوم، ناشر اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق.
- ۴- -----، معانی الأخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ: اول، نشر دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۳ق.
- ۵- -----، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تصحیح مهدی لاجوردی، چاپ: اول، ناشر نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
- ۶- -----، علل الشرائع، چاپ: اول، ناشر داوری، قم، ۱۳۸۵ش.
- ۷- -----، التوحید، تحقیق هاشم حسینی، ناشر جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۸ق.
- ۸- ابن طاووس، علی بن موسی، الإقبال بالأعمال الحسنة، تعليق جواد قیومی اصفهانی، چاپ: اول، ناشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ش.
- ۹- ابن منظور، محمد بن مكرم المصری، لسان العرب، چاپ: سوم، ناشر دارصادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ۱۰- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، چاپ: اول، ناشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ۱۱- اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة في معرفة الأئمة، محقق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ: اول، ناشر بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
- ۱۲- امینی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب والسنة و الادب، چاپ: پنجم، ناشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.
- ۱۳- بُرسی، رجب بن محمد الحلّی، مشارق انوار الیقین فی اسرار امیر المومنین علیه السلام، تحقیق سید علی عاشور، چاپ دوم، ناشر موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۷ق.
- ۱۴- -----، الدر الثمین فی خمسمائة آية نزلت فی امیر المومنین علیه السلام، محقق سید علی عاشور، چاپ اول، ناشر موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۴ق.
- ۱۵- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، محقق جلال الدین محدث، چاپ: دوم،

- ناشردارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱ق.
- ۱۶- تهرانی، میرزا جواد آقا، میزان المطالب، چاپ: چهارم، ناشر موسسه در راه حق، قم، ۱۳۷۴ش.
- ۱۷- حلّی، حسن بن یوسف، نهج الحقّ و كشف الصدق، چاپ: اول، ناشردارالهجرة، قم، ۱۴۱۴ق.
- ۱۸- -----، كشف المرادفی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ: اول، ناشر موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- ۱۹- -----، الالفین الفارق بین الصدق و المین فی امامة مولانا امیرالمومنین علیه السلام، ناشردارالهجرة، قم، ۱۴۰۲ق.
- ۲۰- -----، باب حادی عشر، مترجم میرزا محمد علی حسینی شهرستانی، تصحیح محمود افتخارزاده، چاپ: اول، ناشردانش پرور، تهران، ۱۳۸۰ش.
- ۲۱- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة، تحقیق موسسه آل البیت، چاپ: اول، ناشر موسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹ق.
- ۲۲- حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، محقق موسسه آل البیت، چاپ: اول، ناشر موسسه آل البیت، قم، ۱۴۱۳ق.
- ۲۳- حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ناشردارصادر، ۱۳۹۷ق.
- ۲۴- خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر، محقق عبداللطیف حسینی، ناشربیدار، قم، ۱۴۰۱ق.
- ۲۵- ربانی گلپایگانی، علی، امامت در بینش اسلامی، چاپ: اول، ناشر بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶ش.
- ۲۶- شیعی، کامل مصطفی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، مترجم علیرضا ذکاوتی قراگزلو، چاپ: پنجم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۷ش.
- ۲۷- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، تصحیح کوجه باغی، چاپ: دوم، ناشر مکتبه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ۲۸- طوسی، محمد بن الحسن، الغیة للطوسی، محقق علی احمد ناصح، چاپ: اول، ناشردارالمعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.
- ۲۹- -----، تلخیص الشافی، تعلیق حسین بحر العلوم، چاپ: اول، ناشر: انتشارات محبین، قم، ۱۳۸۲ش
- طوسی، نصیر الدین، تجرید الاعتقاد، تحقیق حسینی جلالی، چاپ: اول، ناشردفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۷ق.

- ۳۰- -----، تلخیص المحصل، ناشر: دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- ۳۱- عسکری رحمته الله، حسن بن علی (امام یازدهم)، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری رحمته الله، تحقیق مدرسه امام مهدی (عج)، چاپ: اول، ناشر: مدرسه الامام المهدی (عج)، قم، ۱۴۰۹ق.
- ۳۲- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ: دوم، ناشر: هجرت، قم، ۱۴۰۹ق.
- ۳۳- فیض کاشانی، مولی محسن، کلمات مکنونه، تصحیح علی عزیزاده، چاپ: اول، ناشر: آیت اشراق، قم، ۱۳۹۰ش.
- ۳۴- الفیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، چاپ: دوم، ناشر: موسسه دارالهجرة، قم، ۱۴۱۴ق.
- ۳۵- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، محقق طیب موسوی جزایری، چاپ: سوم، ناشر: دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ق.
- ۳۶- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح علی اکبر غفاری، چاپ: چهارم، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
- ۳۷- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، محقق محمد کاظم محمودی، چاپ: اول، ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۰ق.
- ۳۸- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح للكفعمي، چاپ: دوم، ناشر: دارالرضی، قم، ۱۴۰۵ق.
- ۳۹- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، تحقیق جمعی از محققان، چاپ: دوم، ناشر: دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- ۴۰- مفید، محمد بن محمد، الأمالی للمفید، محقق علی اکبر غفاری - حسین استاد ولی، چاپ: اول، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
- ۴۱- -----، الإيضاح في الإمامة، محقق کنگره شیخ مفید، چاپ: اول، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
- ۴۲- -----، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، محقق موسسه آل البيت رحمته الله، چاپ: اول، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
- ۴۳- نجارزادگان، فتح الله، بررسی تطبیقی معنا شناسی امام و مقام امامت از دیدگاه مفسران فریقین، چاپ: اول، ناشر: سمت، قم، ۱۳۹۰ش.
- ۴۴- یزدی مطلق، محمود، امامت پژوهی (بررسی دیدگاه های امامیه معتزله و اشاعره)، چاپ: اول، ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۱ش.